

**تعالی حقوق شهروندی؛ جستاری در مولفه‌های حقوق شهروندی
در آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه**

آمنه شاهنده*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۵

چکیده

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت و به عبارتی مجموعه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی افراد است. امروزه حقوق شهروندی از دغدغه‌های اساسی محققان و از موضوعات مهم جوامع مدنی است، با اینکه سابقه تحقیق و مطالعه تاریخی به شکل منسجم امروزی نداشته است اما حقوق شهروندی در تعالیم الهی به‌ویژه در قرآن کریم، احادیث مؤثر و نهج‌البلاغه مورد توجه بوده است. این مقاله پس از مطالعه متن قرآن و نهج‌البلاغه به روش کتابخانه‌ای، با انتخاب و جمع‌آوری مطالب مرتبط، مفاد آن‌ها را تجزیه و تحلیل نموده و به این سوال پاسخ داده که دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه در مسأله‌ی حقوق شهروندی چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد حقوق شهروندی در آموزه‌های اسلامی ریشه داشته و دستورات دینی به‌صورت کامل به آن می‌پردازد. الگوی حقوق شهروندی در قرآن و نهج‌البلاغه شامل حقایق و راهبردهایی در مورد شاخصه‌های ارتباط مطلوب کارگزاران با مردم، حفظ کرامت انسانی، نحوه مدیریت و حکومت‌داری، انتقادپذیری و تفکر منطقی، حق حیات و آزادی عقیده انسان است. این الگو بسیاری از الگوهای حقوقی امروزه را برای زندگی تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد از این روی، می‌توان از این الگوها برای تبیین مسائل و مشکلات حقوق شهروندی استفاده کرد.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، مولفه‌های حقوق شهروندی، آموزه‌های قرآن، آموزه‌های نهج‌البلاغه.

shahande_a@pnu.ac.ir

*. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۱. مقدمه

حقوق شهروندی از مسائل ضروری هر جامعه بوده و شهروند از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی سیاسی است که در هر عصری از طرف متفکران آن زمان مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد. جامعه ما جامعه‌ای است منبعث از ارزش‌های اسلامی که تعالیم خود را از آموزه‌های قرآنی و روایی فراگرفته است. با نگاهی به آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه راهبردهای کلی و فراگیری را می‌توان به دست آورد که پاسخگوی انسان در هر زمان و مکان است. شرفی، ۱۳۹۰/ص ۹۶، در مقاله حاضر تلاش بر آن است که حقوق شهروندی بر پایه مفاهیم قرآن و نهج‌البلاغه رصد و تبیین گردد. با دقت و غور در این دو کتاب شریف، می‌توان به اهمیت رعایت حقوق شهروندی بدون توجه به قوم و قبیله و مذهب افراد پی برد که بسیار مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ها و نامه‌های خود، اصولی‌ترین و کامل‌ترین حقوق شهروندی را به مخاطبان خود آموزش می‌دهد. ایشان با دقت و امعان نظر به بررسی حقوق شهروندی پرداخته و متدهای آموزشی آن را به نحو مطلوبی در نامه‌ها، خطبه‌ها و کلمات قصار خود به مخاطبان خود می‌نمایاند. عدم آگاهی افراد از حقوق شهروندی خود، باعث ایجاد اختلال در تعاملات و مراودات خود و سبب بروز آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

نهج‌البلاغه حاوی نکات ارزنده‌ای برای زندگی و شناخت بهتر بشر از حق و حقوق خود هست. نکاتی که در سایه توجه به آن‌ها می‌توان به سعادت دنیوی و اخروی دست یافت. حقوق زیادی را می‌توان از قرآن و نهج‌البلاغه استخراج کرده و از ابعاد و زوایای مختلفی آن‌ها را تقسیم‌بندی نمود. فرمehنی فراهانی و پیداد، ۱۳۸۹/ص ۳۰۴.

۱-۱. بیان مسئله

حقوق شهروندی از حقوق اساسی و مهم فرد در جامعه انسانی بوده و شهروند از مفاهیمی است که همواره از طرف متفکران و محققان مورد بحث و کنکاش واقع شده است. در جوامع کنونی درک و فهم متفاوتی از حق و حقوق شهروندی صورت گرفته به طوری که علی‌رغم اشتراکات کلی، افتراقاتی در حقوق جزئی و شهروندی صورت گرفته است.

شهروندی، از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت و معرفت صحیح و واقعی نسبت به جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها پدید آمده است.

شهروندی، اصلی است که بر روابط دولت و اعضای جامعه نظارت می‌کند؛ یعنی، از یک‌سو، به

امتیازات دولت و حقوق افراد و از دیگر سو به مناسبات و فرایندهای تاریخی مربوط می‌شود. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس کرده و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند. لذا کارکرد اصلی شهروندی اداره جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام اموری است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند، شایانی، ۱۳۸۱/ص ۳۶.

مفهوم شهروند و حقوق آن از مفاهیم حساس و مهم است که در آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه توجه و تأکید خاصی به آن شده است. با مذاقه و غور در قرآن و نهج البلاغه و کلام بزرگان دینی، رعایت حقوق شهروندی کاملاً مشهود و مبرهن می‌شود؛ اما تا زمانی که بشر از حق و حقوق خود اطلاعات وافی و کافی را نداشته باشد، خلل اساسی در تعاملات، مراودات و حقوق او ایجاد خواهد شد. لذا تا زمانی که مفهوم شهروندی و انسانیت و به تبع آن حق و حقوق ناشی از آن برای فرد در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته باشد، نمی‌توان انتظار رسیدن به حقوق شهروندی به طور اتم و اکمل را داشت.

شواهد پژوهشی فراوانی در خصوص حقوق شهروندی وجود دارد، اما پژوهش‌هایی که به طور خاص در مورد به‌کارگیری رویکردهای قرآنی و آموزه‌های حضرت علی (علیه السلام) باشد، زیاد نبوده است. در این زمینه ادبیات پژوهشی اندکی داریم. با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مطالعه، در این پژوهش از روش آرشیوی - کتابخانه‌ای استفاده شده است. هدف ما در این پژوهش دستیابی به مفاهیم و الگوهایی از مولفه‌های حقوق شهروندی بر اساس آموزه‌های قرآن و سخنان حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

سیاوش پور طهماسبی و آذر تاجور در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه»، ۱۳۹۰، به این نتیجه رسیده‌اند که اسلام فقط دینی اعتقادی نیست و همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد را در نظر دارد و همه قوانین شهرنشینی را حتی قبل از آن که سردمداران آن در غرب در خیال آن بوده باشند، احیا کرده است و این قوانین چون از جانب خداوند تنظیم شده و در فطرت انسان‌ها نهاده شده است، به راحتی می‌تواند در جامعه کنونی جاری شود و سعادت اخروی و دنیوی شهروندان را با مدیریت افراد لایق و دانشمندی هم چون علی (علیه السلام) تأمین کند.

محمود عباسی، میثم کلهر نیا گل‌کار در مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی بر جلوه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه»، ۱۳۹۵، به این نتیجه رسیده‌اند که با نگاهی به قرآن و نهج البلاغه، ابعاد حقوق شهروندی و لزوم رعایت حقوق انسانی به وضوح قابل مشاهده است. با وجود این، تحقق حقوق

شهروندی مستلزم شناخت آحاد مردم جامعه از کلیه حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مدنی و سیاسی خود هست. به نظر می‌رسد این مهم با اتخاذ راهبرد افزایش سطح آگاهی شهروندان و نهادهای سازشی تدریجی اصول حقوق شهروندی از طریق آموزش‌های هدفمند و ایجاد انس با آموزه‌های قرآن و سیره معصومان (علیهم‌السلام) ضمن کارگزاری بسترهای عمل به حقوق مزبور، در تمامی سطوح زندگی اجتماعی از سوی شهروندان، میسر خواهد شد.

محمدرضا به مانیان، سحر ارجمندی و فرزانه علی محمدی در مقاله «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن، نمونه موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی - اسلامی»، ۱۳۹۲، به این نتیجه رسیده‌اند که رعایت حقوق شهروندی به‌عنوان نمودی از اصل عدالت در جامعه اسلامی، به‌عنوان الگویی در کالبد و بافت معماری و شهر، تأثیر گذاشته است. تمامی اصول اسلامی بر پایه رعایت حق انسان و در واقع «حق الناس» است تا حقی از انسانی گرفته نشود و حرمت و کرامت انسانی، آن‌گونه که در قرآن برای انسان به‌عنوان جانشین خداوند در زمین در نظر گرفته شده، رعایت شود. ارزیابی تحلیل‌های انجام‌شده در باره نمود عدل با تأکید بر قاعده لا ضرر و لا ضرار در حقوق شهروندی، در خانه‌ها و خانواده‌های ایرانی - اسلامی، نشانگر این امر است که انسان، حقوق و ارزش‌های وی در تمام ابعاد معماری خانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

قرآن کریم کلام خداوند و اثری بدیع و بی‌بدیل که در تمام شرایط و آنات راهنمای سعادت دنیوی و اخروی بشری و منبع و مخزن نمایاننده حقوق انسان‌ها در هر برهه‌ای از زمان است. کتابی که در هر شرایطی بشر را مخاطب خود قرار داده و او را با تمام حقوق خود اعم از حق حیات، آزادی عقیده و مذهب، شناخت حریم خصوصی و نیاز به امنیت، آشنا ساخته و سرمنزل مقصود را رهنمون می‌شود. از طرفی دیگر نهج البلاغه، یادگار ارزشمند امام علی (علیه‌السلام) و اثر ارزشمندی است که در کنار غنای محتوایی خود، دارای نامه‌ها، سخنان و خطبه‌های سراسر بغض و پرمحتوای حضرت علی (علیه‌السلام) است. نهج البلاغه سرچشمه و ترجمان فصاحت و بلاغت است که به‌عنوان یک اثر جامع و ارزشمند بسیار مهم شناخته شده است، کتابی که امام علی (علیه‌السلام) در آن، گاه با عاطفه و هیجانی برخاسته از عمق وجود، مردمان را خطاب قرار داده و در بسیاری مواقع اندرزها و حکمت‌های خود را با تکیه بر اعماق وجودی خویش بیان فرموده‌اند. نهج البلاغه گزارشی از واقعیت‌های زندگی حضرت علی (علیه‌السلام) و دوره حیات ایشان است که حق و حقوق انسان در آن، مقام و منزلت فرد، حقوق فردی و اجتماعی انسان، کیفیت و نوع

مدیریت جامعه و حکومت بر مردم، کرامت انسانی بشر، حق حیات و آزادی او و عدل و انصاف و... در آن متجلی شده است. لذا آشنایی با این دو اثر گران قدر که توان هدایت بشر به مطلوب مادی و معنوی را دارند از یکی از اساسی ترین نیازهای پژوهش امروزی است.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. حق

واژه حق در ادبیات عرب به معنای نقیض باطل، فراهیدی، ۱۴۰۹/ج ۶ ص ۳، و به اعتبار وجه مصدری حق «ثبوت» و به اعتبار وجه وصفی آن «ثابت» هست، گرجی، ۱۳۶۴/ص ۲۹، از این رو، بر هر چیزی که دارای نوعی ثبوت و وجوب است، حق اطلاق می گردد، ابن منظور، ۱۴۰۵/ص ۱۰، در علم حقوق نیز حق به توانایی شخص بر چیزی یا کسی گفته می شود، جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸/ص ۱۶۹. در اصطلاح فقه و حقوق نیز حق عبارت است از توانایی خاصی «از جهت قانون یا عرف» که برای کسی یا اشخاصی نسبت به شخصی «مانند حق قصاص» یا چیزی «اعم از عین منفعت یا عقد» اعتبار شده است که صاحبان یا صاحب حق «ذو الحق» به مقتضای آن توانایی می توانند در آن شیء یا شخص تصرف نمایند. درواقع، حق مرتبه ای ضعیف از ملکیت است، طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳/ص ۹۲.

۲-۲. شهروند

شهروند به اهل یک شهر و یا یک کشور گفته می شود که در واقع شهرند بوده و با گذر زمان تبدیل به شهروند شده است، دهخدا، ۱۹۹۴/ص ۱۲، اما در اصطلاح، شهروند، عضو جامعه ای است که حقوق و وظایف مرتبط با این عضویت را دارد و از وجود رابطه و پیوند متقابل فرد و جامعه حکایت می کند. شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور نقش مستقیم و مؤثر دارد.

شهروند جامعه اسلامی که به موجب عضویت در اجتماع شهری، از حقوق و تکالیفی برخوردار گردیده، با تاسی از آموزه های قرآنی و علوی و تخلق به اخلاق و منش شهروندی کنترل شده، خود را از عوامل انحرافی صیانت کرده و در تعالی فردی و اجتماعی قدم برمی دارد.

۳-۲. شهروندی

شهروندی بیان یک هویت مشترک است و شهروند به همه اعضای جامعه بزرگی اطلاق می شود که عنوان یک فرهنگ را به خود می گیرد و از این منظر می توان عنوان شهروندی را به همه قلمرو و یک

فرهنگ و تمدن اطلاق کرد، غلامی نیا، ۱۳۸۸/ص ۲۱.

معنا و مفهوم شهروند صرفاً به دلیل در کنارهم بودن و باهم بودن انسان‌ها به دست نمی‌آید، بلکه این مفهوم در چارچوب مکان خاص و در زمان مشخص و تحت قالب یک جامعه برخوردار از قدرت عمومی شکل می‌گیرد و اشتغال بر برخورداری عادلانه افراد آن جامعه از امتیازات اجتماعی و تعهدات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی برای شهروندان آن جامعه دارد.

شهروندی متضمن دخالت مسئولانه در روندهای اجتماعی است و از این منظر تعهدات پذیرفته شده در یک بستر خاص اعمال می‌شود. به عبارتی دیگر شهروندی مانند یک موقعیت عضویت در اجتماع، الزامات خاص خود را نیز دارد که مشتمل بر مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است. شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۲/ص ۸۵.

مفهوم شهروندی درگذر زمان تحولات و تغییرات زیادی به خود گرفته است مثلاً عواملی نظیر نژاد، دین، مذهب و زبان که درگذشته نقش بسیار مؤثری در ثبات شهروندی و حقوق مربوط به آن را داشتند. درواقع حقوق شهروندی از طبیعی‌ترین حقوق انسانی هست که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی و به‌صرف این‌که از ملتی خاص باشند، دارای این حقوق بوده و دولت‌ها متعهد به تضمین و پاسداری آن هست.

۳. ضرورت تقویت، کارآمدی و تعالی حقوق شهروندی

لزوم توجه به اصلاح حقوق شهروندی، ضمن ضرورت مضاعف در سطوح عامل و کارگزار، منحصر به بخش خاصی از جامعه نیست. بلکه تعمیر، بهبود و اصلاح آن امری است که همه زوایای زندگی شهروندان و ساختار جامعه را دربرمی‌گیرد.

این ضرورت از دهه‌های اخیر مضاعف شده است، چراکه جوامع بشری در این دوران تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرارگرفته و پیامدهای گسترده‌ای را به همراه داشته است. با این تحولات، تغییرات عمیقی در سبک زندگی مردم خصوصاً ساکنان شهرهای بزرگ و هویت فرهنگی شهروندان و به‌تبع آن حق‌وحقوق آن‌ها ایجادشده و لذا تحولات گسترده‌ای را در فرهنگ و تمدن انسان و جامعه معاصر ایجاد کرده است.

پیامد توجه به حقوق شهروندی به‌تناسب تعاملات خاص جامعه امروزی، موجب استقرار جامعه‌ای ارزشی و معنوی است که در آن همه شهروندان از حق‌وحقوق خود آشنایی کافی و وافی داشته و نهایتاً از مواهب نظم، امنیت، آزادی، عدالت، احسان، نوع‌دوستی و همدلی و تمامی ارزش‌های انسانی در حد عالی برخوردار شده و زمینه تعالی و کمال و قرب الهی را فراهم سازند.

۴. خودآگاهی حقوق شهروند از منظر آموزه‌های دینی

شهروندی نوعی حق است که از یک طرف توسط شهروندان و دولت به رسمیت شناخته شده و از سوی دیگر نوعی وظیفه است که همه آحاد جامعه نسبت به هم‌نوعان خود دارند، امینی، ۱۳۷۷/ص ۳۴۹. مفهوم شهروندی در مسیر تطور تاریخ بشر، متحول شده و در دوران مختلف تفکر سیاسی، برداشت‌های خاصی از آن شده است.

اسلام به شهروند نگاه ویژه‌ای دارد؛ درواقع خداوند به انسان نگاه ویژه‌ای، بقره/ ۳۰، داشته و او را موجودی اجتماعی آفریده است که در اجتماع از همه مواهب بهره‌مند باشد، بقره/ ۲۹. و درعین حال که به حقوق و وظایف انسان نگاه همه جانبه ای دارد، کرامت و فضایل انسانی را عامل مهمی در جهت بازدارندگی از انحراف و اصلی ضروری برای رشد، تعالی و سعادت شهروند جامعه اسلامی می‌داند.

در فرهنگ اسلامی از ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، حقوق شهروندان جامعه موردنظر بوده است. آیات قرآن و روایات رسیده از امامان معصوم (علیهم‌السلام) به وجود روابط اجتماعی پیروان ادیان مختلف، نشانگر اهمیت این مسئله در دین مبین اسلام است. امام علی (علیه‌السلام) نامه‌ها و خطبه‌های خود هشدارهایی مبنی بر رعایت حقوق شهروندی، برخورد با عدالت، عدم تجاوز و تعدی، کاستن غرور و رفتارهای دوستانه را به حکام داشتند، نامه/ ۵۳.

۵. حقوق شهروندی از منظر قرآن

قرآن کریم، کتاب کافی و وافی جهت سعادت بشری است که در تمام عرصه‌های زندگی بشر، هدایتگری کارآمد و راهگشا داشته است. در آن هیچ اغوا و انحرافی نبوده و انسان را از جهل به سعادت و کمال رهنمون می‌شود. از دیدگاه قرآن، بشر موجودی است مصطفای خداوند، امین او، با سرشتی پاک، خداجو و خداشناس که حق بهره‌گیری از تمام مواهب را دارد. از طرفی دیگر در برابر مواهب الهی وظایف و مسئولیت‌هایی را نیز عهده‌دار است. قرآن کریم اصول و مبانی تفکرات و اندیشه‌های لازم برای سعادت و کمال بشری، اصول تربیت و اخلاق و نظام اجتماعی و خانوادگی را تبیین کرده و تفسیر آن را بر عهده سنت و اجتهاد قرار داده است، مطهری، ۱۳۷۸/ص ۲۵۲.

جوهره حقوق شهروندی، حفظ ارزش و کرامت انسانی در جامعه و ترویج اصول عدالت و مساوات در بهره‌برداری از مواهب الهی و تعامل صحیح شهروندان با یکدیگر است. چراکه همه انسان‌ها از حقوقی مساوی برخوردار بوده و در گوهر انسانیت، فضیلت و ارزش‌های انسانی باهم برابرند. کرامت انسانی حالت



پایدار در هر انسانی است که همیشه ملازم او بوده و غیر منفک از اوست. این کرامت به ذات انسان بازگشت داشته و هدیه‌ای از سوی پروردگار عالم به همه انسان‌هاست و هیچ نوع تفوق و برتری در آن، میان مردم وجود ندارد، حجت/۱۳.

۵-۱. حق حیات

اولین حقی که خداوند به انسان داده است، حق حیات اوست. اختیار مرگ و حیات انسان خارج از اراده دیگران است. درواقع زمانی می‌توان از حفظ کرامت انسانی سخن گفت که برای او حق زندگی قائل شد. حفظ حیات و حرمت جان وزندگی در محیط امن و پر از صلح و صفا، انفال/۱. نساء/۳۴، برای انسان‌ها به قدری مهم و تضمین شده است که حفظ جان انسان مانند حفظ جان تمام بشریت تلقی شده و همه دولت‌ها و جمعیت‌ها مکلف‌اند از حق حیات در مقابل هرگونه تعدی و ظلم دفاع کنند. سلب این حق از انسان به معنای نابودی کل جامعه است. مگر آنکه به علت درست، صحیح و منطقی انجام شود، مائده/۳۲. از نگاه اسلام، کامل‌ترین جامعه انسانی جامعه‌ای است که در درون خود، سازوکارهای آشنایی و بقاء اصول و مبانی ارزشی را استوار کرده و زمینه رشد عوامل منفی و انحرافی را مسدود کرده و مصونیت و امنیت، مائده/۳۲، را برای جامعه و شهروندان به ارمغان بیاورد. امام علی (علیه السلام) حق حیات را برای انسان‌ها محترم شمرده و می‌فرماید: از رسول الله (صلی الله علیه و آله) دو کتاب به ارث برده‌ام، کتاب خدا و کتابی در غلاف شمشیرم. پرسیدند: ای امیر مؤمنان! چیست آن کتابی که در غلاف شمشیر داری؟ فرمود: هر کس غیر قاتل را بکشد و یا غیر ضاربش را بزند، لعنت خدا بر او باد، نامه ۵۳.

ایشان در بستر شهادت در مورد قاتل خود سفارش کرد: «پسران عبدالمطلب! بنیمن در خون مسلمانان فرورفته‌اید و گوید امیر مؤمنان را کشته‌اند، بدانید جز قاتل نباید کسی برای خون من کشته شود، نامه ۴۷.

۵-۲. آزادی عقیده و مذهب، حق همگانی

از مصادیق حقوق شهروندی، آزادی عقیده و مذهب است. هر انسانی مسئول است تا با اندیشه و درک خود، از کفر و شرک دور شده و عقیده به دین توحیدی را انتخاب کند. از طرف دیگر آیات قرآنی تصریح می‌کنند که نمی‌توان هیچ فردی را به انتخاب دین خاص وادار و مجبور کرد، بقره/۲۵۶. مؤید همین آیه در آیه ۹۹ سوره یونس آمده است که مبین انتخاب انسان درراه سپاسگزاری پروردگار و یا کفران نعمتی و ناسپاسی بر خداوند و نشانگر حق انتخاب و آزادی عقیده بشر است، کهف/۲۹.

مطابق آیات قرآن، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مأمور ابلاغ احکام و رساندن حقایق و هشدار دادن به آن‌ها به

عواقب کفر و شرک بود، غاشیه/۲۲. ۲۱. نور/۴۳. یونس/۱۰۸. آل عمران/۲۰. از طرفی این مسئله نیز در قرآن کریم به طور واضح ذکر شده است که هر کس حق دارد هر دین و آئینی را بپذیرد، ولی باید در قیامت پاسخگوی عدم پذیرش دین حق باشد، مائده/۹۹. همه انبیای الهی پیام‌آور آزادی بشریت بودند. آزادی از منظر اسلام به معنای رهایی از سرسپردگی به غیر خداست؛ اما از منظر مکاتب غیر الهی، آزادی یعنی حق انتخاب داشتن که انسان می‌تواند با توجه به این حق انتخاب، دین داشته باشد یا نه. خداوند درباره حق آزادی در انتخاب دین تایید بر عدم اکراه و اجبار در پذیرش دین را تبیین فرموده است. بقره/۲۵۶. رفتار پیامبران همواره آمیخته با منطق و برهان بوده و هرگز در مقام تحمیل عقیده یا توسل به زور و اجبار نبود و در هیچ آیه‌ای، ذکری از الزام و اجبار و تهدید به انتخاب دین خاص نشده و در واقع آزادی عمل و انتخاب به مردم داده شده است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در منزلت و جایگاه آزادی، آن را لازمه وجودی انسان و از جمله حقوق انسان به شمار آورده، می‌فرماید: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» بنده دیگری مباش و حال آن خداوند تو را آزاد آفریده است، نامه ۳۱.

۵-۳. تأمین امنیت، آرامش و حریم خصوصی؛ حق مطلوب همگانی

حق مسکن و امنیت، مائده/۳۲، آرامش و رفاه خصوصی انسان از دیگر حقوق شهروندی انسان است. انسان حق استفاده و بهره‌مندی از آرامش و امنیت را دارد، اعراف/۱۰، و اسلام نیز آن را جزء حقوق معنوی شهروندان می‌داند، مائده/۳۳. مسکن تنها محل سکونت و آرامش اشخاص نیست، بلکه به عنوان محل آرامش و حریم خصوصی فرد نیز محسوب می‌شود. به دلیل سکینه بودن مسکن، باید از هرگونه تعرضی در امان باشد، نور/۲۷ و ۲۸. خداوند تا جایی به حریم خصوصی انسان توجه داشته است که اجازه ورود به منزل دیگری را منوط به اخذ اجازه از صاحب منزل کرده و عدم تفحص و تجسس در منزل دیگران را از انسان خواسته است. این مسئله امروزه شدیداً از طرف افراد در جوامع بشری مورد نیاز و مطلوب جلوه می‌کند. واضح است که خداوند در آیات قرآن به حساس‌ترین مسائل مربوط به حق و حقوق شهروندی بشریت توجه کرده و مطابق با آرامش انسان قوانینی وضع کرده و مسلمان‌ها را مجاب به رعایت قوانین و دستور نموده است.

در کل می‌توان دیدگاه قرآن به حقوق شهروندی را در حکومت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، مشاهده کرد. چراکه با تعالیمی که ایشان از محضر قرآن آموخته و به مرحله اجرا گذاشته بودند، هسته اصلی و اولیه امت اسلامی شکل گرفت که در این هسته، هدف اصلی حکومت اسلامی، توجه به فرهنگ و ایدئولوژی مردم، توجه به نیازهای اساسی فکری و اعتقادی آن‌ها، مسائل مربوط به زندگی و معاش و اقتصاد

خانواده، و برداشتن غل و زنجیرهای فکری و روحی مردم که سایه افکن بر استعدادها و توانمندی‌های معنوی بشریت بود، ابن تراب ۱۳۸۵/ص ۴۲. امام علی (علیه السلام) معتقدند: خداوند حرمت مسلمانان را بر هر حرمتی برتری بخشیده و با اخلاص و توحید شیرازه حقوق آنان را محکم ساخته است. پس مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبان او در امان باشند و آزار هیچ مسلمانی جز در موردی که موجبی داشته باشد روا نیست.، خطبه ۱۶۷.

۶. حق و حقوق شهروندی در آموزه های نهج البلاغه

نهج البلاغه با مفاهیم عظیم در تمدن، فرهنگ، حقوق و عدالت محوری است که تعمق در مضامین آن، متدهای نوینی در رهیافت حقوق شهروندی پیش روی محققان می‌گذارد. موضوعات مختلف مطرح شده در نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، توجه عمیق و امکان نظر حضرت علی (علیه السلام) به حقوق شهروندی را مبرهن می‌سازد. حقوق اجتماعی، انصاف، عدالت و عدل محوری، توجه به سازمان‌ها و نهادها در سطوح مختلف جامعه، مبارزه با ظلم و تجاوز از حقوق شهروندی مطرح در نهج البلاغه است، نامه ۵۳.

۱-۶. بسط عدالت؛ حق بشریت

از منظر امام علی (علیه السلام)، عدالت رأس و هسته اصلی ایمان و سرچشمه محکم‌ترین و مضاعف کننده نیکی‌ها، تمیمی آمدی، ۱۴۱۰/ص ۷۷۷، بنیاد زندگی مردم، تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ح ۱۹۵۴، قوی ترین بنیان، همان، ح ۱۸۷۳، و به مثابه شیره ایمان و سرچشمه همه خوبی‌هاست. « أَلْعَدْلُ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَجَمَاعُ الْإِحْسَانِ وَأَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ »، خوانساری، ۱۳۶۰/ج ۲ ص ۳۰. عدالت در کلام مولا به معنای قرار دادن هر چیز سر جای خود است، حکمت / ۴۳۷. در قرآن کریم نیز در واقع در نگاه آن حضرت از سویی، عدالت با اعتقاد و اندیشه آدمی گره خورده و از سوی دیگر جمع کننده خوبی‌ها توصیف شده است؛ بنابراین، عدل و عدالتی که امام بر روی آن تأکید ویژه دارد عدالتی است که مستنبط از قرآن است که در آیه ۲۵ سوره حدید تبیین شده است:

« لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ».

لذا امام (علیه السلام) قرآن را منبع عدالت می‌داند و عدل را مایه زینت و در رأس ایمان به شمار می‌آورد، معادی خواه ۱۳۷۳/ص ۳۶۰. ایشان محک ایمان را بر اساس عدالت می‌داند و از دیدگاه او مؤمن، کسی است که الزاماً از خصلت ناب عدالت برخوردار بوده و همواره بر مرکب عدالت حرکت می‌کند.

حضرت علی (علیه السلام) در سخنان خود مردم را به رعایت عدالت و انصاف، خطبه / ۳، مدارا با شهروند، توصیه می کند. ایشان در منشور حکومت خود خطاب به مالک اشتر، عدالت را به مثابه محبوب ترین امور یاد می کند، نامه / ۵۳. به واقع نگرش ایشان به حق و حقوق انسان، قانون خداوندی و اسلام، مائده / ۸، نگاهی محترمانه با رعایت کرامت ذاتی انسان است و هیچ غیرمسلمانی را تحقیر نمی کند. بقره / ۸۳، از نظر ایشان هر انسانی حقوقی دارد که حاکم، بدون در نظر گرفتن آئین و مذهب باید به بررسی و تدارک حوائج او بپردازد، عباسی و کلهر نیا و همکاران، ۱۳۹۵ / ص ۲۱.

از نظر امام علی (علیه السلام) آن اصلی که می تواند حقوق شهروندی و تعادل اجتماع را رعایت کرده و به پیکر اجتماع سلامت و به روح جامعه آرامش بدهد، عدالت است، خطبه / ۳۳، ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی روح خود ستمگر و روح آن کسی که به نفع او ستمگری می شود راضی و آرام نگه دارد تا چه رسد به ستمدیدگان و پایمال شدگان. عدالت بزرگراهی است عمومی که همه را می تواند در خود بگنجانند و بدون مشکلی عبور دهد، اما ظلم و جور کوره راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی رساند. مطهری، ۱۳۵۴ / ص ۱۱۳. از نظر ایشان عدالت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی جهت رسیدن شهروندان جامعه به حق و حقوق خود، بوده و آن را ناموس بزرگ اسلامی تلقی می کرد و سیاست خود را بر مبنای این اصل تأسیس کرده بود. ممکن نبود به خاطر هیچ هدفی کوچک ترین انحراف و انعطافی از آن پیدا کند.

۲-۶. حفظ کرامت انسانی؛ حق ذاتی انسان

کرامت و بزرگواری ذاتی، و لقد کَرَّمنا بنی آدم...، اسراء / ۷۰، هدیه الهی نسبت انسان است که در شکل ظاهری، نیروی تعقل و تفکر، دارا بودن اراده و اختیار نسبت به پیشرفت خویش، انتخاب خیر از شر و... نمود و بروز یافته است. دارا بودن این خصوصیات، انسان را شایسته تکریم و بزرگداشت ساخته است، نامه / ۳۵. اگرچه او با انتخاب خود می تواند مسیر بزرگواری و شرافت را ادامه داده و به قله های آن دست یابد و یا با انتخاب مسیر ذلت و پستی، خواری دنیا و آخرت خویش را رقم زند. کرامت انسان در قرآن، سیره نبوی و سنت معصومین (علیهم السلام) مورد توجه قرار گرفته است. آنان که مظهر اتم و اکمل کرامت، شرافت و بزرگواری هستند، علاوه بر یادآوری بزرگواری ذاتی انسان، راهکارهای تجلی کرامت و تکامل آن را نیز بیان داشته اند.

از منظر امام علی (علیه السلام)، انسان موجودی آزاده است که دربند و یوغ نمی گنجد و هیچ گونه ذلتی را نمی پذیرد. « لَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا »، نامه / ۳۱، نمود حریت و آزادگی انسان باید در



رفتار و کردار فرد نمایان شود. حکمت / ۴۴۳، شخصیت و کرامت انسانی انسان، اقتضای آن دارد که او اصول اخلاقی را پاس دارد و از ناپسندی‌ها دوری جوید. ایشان با تأکید بر اصل کرامت انسانی، اسراء / ۷، و با اعتقاد راسخ به اصل جاودانگی انسان و حق حیات او، تأمین اجتماعی افراد، حق آزادی و آزاداندیشی، نامه / ۳۱، مساوات و عدالت، نامه / ۵۳، حکام و کارگزاران را به خدمت صادقانه به مردم، کلمات قصار / ۲۴، و کمک به انسان‌های مظلوم و یتام، نامه / ۴۷، موظف می‌داند، محقق داماد، ۱۳۸۰ / ص ۱۸.

۳-۶. انتصابات و حکومت‌داری

حضرت علی (علیه السلام) به گسترش اسلام در جهان و تثبیت بنیان آن در داخل کشور اسلامی از طریق برهان و ارشاد می‌اندیشید و از طریق آشنا کردن مردم با معارف الهی، به دفاع از اسلام می‌پرداخت و هرگاه خلفا دست نیاز به سوی ایشان دراز می‌کردند، آن‌ها را یاری می‌کرد، بیهقی، ۱۳۶۶ / ج ۷ ص ۱۶۴ و زمخشری، ۱۳۶۶ / ج ۱ ص ۵۱۸.

در نظر امام علی (علیه السلام) جامعه‌ای که در آن عدل برقرار بوده و بر گرفته از اذن و دستور الهی، بقره / ۲۴۷، نساء / ۵۴، انبیاء / ۷۹، باشد، جامعه سالمی است و خداوند از دانشمندان عهد گرفته است که برای ساختن چنین جامعه‌ای تلاش و کوشش کنند و آن را بدون مسئولیت رها نکنند و همواره در راه دستیابی به آن باشند و در این میان حکومت عادلانه مهم‌ترین عنصر در تحقق چنین جامعه‌ای است، اگر حکومت عادلانه نباشد و یا عادلانه رفتار نکند آن جامعه نمی‌تواند عدالت را در روابط اجتماعی مراعات کند، در نتیجه سلامت جامعه دچار اشکالات جدی می‌شود، خوانساری، ۱۳۶۰ / ج ۶ ص ۲۳۶، ایشان معتقد بود که عدالت انسانی، سرچشمه الهی و ریشه در ایمان دارد و عدالت اخلاقی را اساس عدالت سیاسی و اجتماعی می‌دانست.

در مسئله حکومت‌داری به بعضی از کارگزاران خویش تفویض اختیار تام کرده و عمال خود را به دودسته امارات عامه، قدرت همگانی و وسیع، و امارات خاصه، قدرت جزء، تقسیم می‌کردند. همچنین معیار اصلی ایشان برای کارگزاران خود، رعایت اصل تقوا و پرهیزکاری و توجه به خطیر بودن کار بود، معینی نیا، ۱۳۸۵: ۸۷. ایشان در مورد جریان‌ات سیاسی و آزادی مردم در انتصابات معتقد به اخذ مشروعیت حکومت از جانب خداوند بودند که در کنار مشروعیت الهی، مقبولیت و پذیرش مردمی، نساء / ۶۰، را نیز لازم می‌دانستند. از نظر گاه ایشان باید شرایط مناسب روحی و روانی، اعتقادی، فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی در جامعه فراهم باشد تا افراد با انگیزه درونی خود خواهان حق و حکومت اسلامی باشند، بابا زاده، ۱۳۷۹ / ص ۵۴۱. امام (علیه السلام) با تأکید بر آیه، لا اکراه فی الدین، بقره / ۲۵۶، معتقد به عدم

اجبار و اکراه مردم در انجام اعمال بودند و این همان احترام به فکر و آزادی عقیده شهروندان است.
، عمید زنجانی، ۱۳۸۰/ص ۹۸.

ایشان در پذیرش حکومت و مدیریت جامعه مسلمانان با توجه به اعتقاد و عزم راسخ به اصل اساسی حکومت جهانی اسلامی، آن را به عنوان امانت الهی پذیرفته، و مانند قاعده ای بنیادین و فراگیر پذیرفته و عمال و کارگزاران خود را به این امر دعوت می کردند، اعرافی، ۱۳۸۰/ص ۵۶. از منظر ایشان اگر بین شهروند و کارگزار بی احترامی و بدگمانی حاکم شود، هیچ برنامه اصلاحی به نتیجه مطلوب نمی رسد. چرا که در چنین شرایطی همه، خواسته های خود را در نظر گرفته و به منافع عام بی اعتنا خواهند شد. لذا سعی در ایجاد بستری داشت که باعث خوش گمانی و احترام حکام به شهروندان شود.
، جعفری، ۱۳۸۵/ص ۶۹.

۴-۶. توجه به سازمان دهی و مشارکت عمومی

سازمان دهی، فرایند نظم فعالیت ها و تقسیم آن ها به افراد به منظور انجام دادن کار و تحقق هدف های معین است. بر اثر سازمان دهی، از توانایی های افراد به طور شایسته استفاده می شود. ، علاقه بند، ۱۳۷۵/ص ۴۹، در فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم است به سازمان دهی و جلب مشارکت های عمومی توجه ویژه ای شده است. تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، همکاری جهت پیشبرد کارها، اختیار و آزادی در محدوده مسئولیت، همه از مسائلی هستند که برای دستیابی به سعادت، در نظام اسلامی از ضرورت های زندگی به شمار می آید. توجه به دعوت قرآن به شور و مشورت عمومی با مردم، آل عمران/۱۵۹، توجه به مشارکت عمومی نیز از امتیازات نگاه امام علی (علیه السلام) به حکومت است. ایشان نگرش مستبدانه را نفی و بر بهره مندی از افکار و پیشنهادهای و مشاوره های دیگران تأکید می کند. قرآن کریم انسانهای عصر حیات پیامبر (ص) را اهل مشورت، شوری/۳۸، خوانده و نیز انسانها را به مشاورت و همفکری با دیگران دعوت و آنها را از استبداد رای بر حذر داشته است، آل عمران/۱۵۹، به فرماندهان خود توصیه می کرد که بدانید که حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ که از پوشاندن ناگزیرم و کاری جز حکم شرع بی مشورت شما انجام ندهم، نامه/ ۵۰.

۵-۶. داشتن تفکر منطقی و انتقادپذیری

تفکر خلاق و تفکر نقاد بخشی از روند تفکر صحیح می باشند. تفکر خلاق با شکل گیری یا خلق ایده ها، متدها و تجربیات مرتبط است در حالی که تفکر نقاد دائم در حال ارزیابی و سنجش آن هاست و این دو شیوه در ارتباط نزدیک باهم هستند. امروزه رویارویی موفق با چالش ها نیاز به خلاقیت و نقد دارد و

چنانچه برای تقویت این دو مهارت تلاش کنیم، می‌توانیم حل مسئله و تصمیم‌گیری مناسب‌تری داشته باشیم. مهدوی، ۱۳۹۲/ص ۶۶.

تفکر، مطالعه، معاشرت با افراد باهوش و صحبت با آنان از عوامل ایجاد خلاقیت است. امام علی (علیه السلام) چاره‌اندیشی، فایده فکر، الْحِيلَةُ فَاِنَّهُ الْفِكْرُ، محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۳، ح ۴۴۹۸، درباره نقش تفکر در خلاقیت و اندیشه درست می‌فرمایند: «گاه اندیشه با تأنی به وجود می‌آید و اندیشه خام و نسنجیده، چه بد پشتیبانی است». قرآن مکرراً کسانی را که تفکر نمی‌کنند، سرزنش کرده و با عبارت «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» ، آیا اندیشه نمی‌کنید؟، آنها را متذکر شده و سپس دعوت به تفکر و تعقل می‌نماید. انعام ۵۰،

خلاقیت برخاسته از تفکر به نتایجی می‌رسد که مسائل بسیار پیچیده را با کمترین هزینه حل می‌کند. اندیشیدن در آنچه انسان می‌داند، مولد راههای جدید است و این یعنی خلاقیت. ایشان همواره مردم را به داشتن روحیه انتقادپذیری راهنمایی می‌کردند و معتقد بودند که بزرگ‌ترین عیب آن عیبی است که در نهاد تو باشد و تو از وجود آن بی‌خبر باشی. چراکه وجود و پرورش تفکر انتقادی و داشتن روحیه انتقادپذیری، باعث پرورش مهارت‌های فکری می‌شود.. علم الهدی، ۱۳۷۹/ص ۷۹.

۷. نتیجه‌گیری

قرآن کریم و نهج البلاغه منابعی بی‌بدیل برای دستیابی به حقوق شهروندی جهت آشنایی انسان‌ها با حقوق خود در جامعه و استفاده بهینه و کاربردی از آن است. تحقیق و بررسی این کتب ارزشمند، کمک شایان توجهی در جهت رفع معضلات و مشکلات زندگی انسان می‌کند. شهروند جامعه اسلامی با بهره جستن از ارزش‌های والای انسانی و پیروی از آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه و راهکارهای عملی آن‌ها، شرایط مطلوبی برای زندگی خود و همه اعضاء جامعه پدید می‌آورد و بستر پیمایش به سمت کمال را برای همه فراهم می‌سازد، راه صحیح دستیابی و رسیدن به چنین جامعه مطلوب و کامل این است که سازوکارهای آشنایی و بقاء اصول اخلاقی و ارزشی در جامعه پایدار گردد و زمینه‌های رشد عوامل منفی و انحرافی مسدود شود. به سخنی دیگر جامعه، از عوامل فساد انگیز مصون نگهداشت شود، از جمله راه کارهای پایدار، توجه شهروندان به ضرورت و اهمیت دین در مناسبات اجتماعی و فرهنگی و تمامی ابعاد زندگی است که از طریق ارجاع انسان به حقیقت وجودی خود و سرشت و فطرت پاک انسانی محقق

می شود. حضرت علی (علیه السلام) با تأکید بر اصولی همچون جهان وطنی، عدالت اجتماعی، آزادی و حقوق انسان ها سعی در نزدیک کردن افراد و شهروندان به همدیگر و ایجاد احساس نزدیکی بین انسان ها دارد. ویژگی مهم جامعه شهروندمداری که حضرت علی (علیه السلام) به آن تأکید دارد، احترام قلبی به قانون و قانون گرایی، عدالت و برابری افراد جامعه نسبت به همدیگر و قانون، وجود عمال لایق و فاضل و امکان انتقادپذیری افراد است. طبق نظرگاه ایشان حکومت فقط زمانی اعتبار لازم و کافی را دارد که وسیله ای جهت تحقق اهداف الهی و انسانی و ابزار برپایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت های فردی و اجتماعی باشد. این پژوهش معتقد است که اسلام فقط دین اعتقادی نبوده بلکه همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر را مدنظر قرار داده و همه قوانین شهرنشینی را احیا نموده است و چون تمام این دستورات از جانب خداوند بوده و در فطرت پاک بشری نهادینه شده بود، لذا می تواند تأمین گر سعادت دنیوی و اخروی بشریت باشد.

درواقع این منابع عظیم، آگاهی های ارزشمندی را در رابطه با حق و حقوق شهروندی ارائه می دهد، لذا در بسیاری از آموزه های قرآن و نهج البلاغه توجه خاصی به حقوق انسان و طبقات مختلف حقوقی او در بستر جامعه به لحاظ فردی و اجتماعی و شهروندی شده است. نتایج نهایی این پژوهش حاکی از آن بود که درمجموع آموزه های قرآن و نهج البلاغه بر روشنگری انسان در باب حقوق شهروندی و تبیین گری حقوق انسانی مؤثر است. به طوری که بهره گیری و استفاده از این آموزه ها و به کارگیری آن ها در زندگی نتایج مفید و مثمر ثمری را به دنبال خواهد داشت.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، *لسان العرب*، قم: ادب حوزه.
۲. بابا زاده، علی اکبر، ۱۳۷۹ش، *سیمای حکومت امام علی (علیه السلام)*، قم: انتشارات انصاریان.
۳. بیهقی، احمد بن علی، ۱۳۶۶ش، *تاج المصادر*، به کوشش: هادی عالم زاده، تهران.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و دررالکلم*، تحقیق: سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۵. جعفری لنگرودی، محمد، ۱۳۷۸ش، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۶. خوانساری، آقا جمال الدین محمد، ۱۳۶۰ش، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، به تصحیح سید جلال الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۹۹۴م، *لغت نامه*، جلد ۷، تهران: دانشگاه تهران.
۸. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۹. شرفی، محمدرضا، ۱۳۹۰ش، *مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. شریفی طراز کوهی، حسین، ۱۳۹۲ش، *زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی*، تهران: میزان.
۱۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۳ق، *حاشیه کتاب مکاسب*، شیخ عباس محمد آل صباغ قطیفی، بیروت: دارالمصطفی لا حياء التراث.
۱۲. علاقه بند، علی، ۱۳۷۵ش، *مقدمات مدیریت آموزشی*، تهران: بعثت.
۱۳. علوی، سید جعفر، ۱۳۹۲ش، *مهارت‌های زندگی با نگاه دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۴. فراهیدی، عبدالرحمن خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: دارالهجرة.
۱۵. فرمهینی فراهانی، محسن و پیدا، فاطمه، ۱۳۸۹ش، *مهارت‌های زندگی، ده مهارت کلیدی به همراه مهارت‌های زندگی در نهج البلاغه و نهج الفصاحه*، تهران: شباهنگ.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶ش، *میزان الحکمه*، جلد ۳، قم: دارالحديث.
۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸ش، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، قم: صدرا.

۱۸. معادی خواه، عبدالمجید، ۱۳۷۳ش، *فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه*، تهران: ذره.
 ۱۹. معینی نیا، مریم، ۱۳۸۵ش، *سیره اداری امام علی (علیه السلام)*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۲۰. مهدوی، نیلوفر، ۱۳۹۲ش، *مهارت های زندگی*، تهران: قطره.
- مقالات**
۲۱. ابن تراب، مریم، ۱۳۸۵ش، «حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام)»، *ندای صادق*، ۴۲، ۱۱۰-۱۴۶.
 ۲۲. امینی، سید حسن، ۱۳۷۷ش، *قانون اساسی و حقوق شهروندان، مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی*، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی.
 ۲۳. جعفری، محمدمهدی، ۱۳۸۵ش، «مدیریت قبیلگی و مدیریت مدنی در نهج البلاغه»، *فصلنامه مدرّس علوم انسانی*، دوره ۱۰، ۱، ۹۱-۱۱۰.
 ۲۴. شیان، ملیحه، ۱۳۸۱ش، «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، ۳، ۶۰-۸۰.
 ۲۵. عباسی، محمود، کلهر نیا گل‌کار، میثم و همکاران، ۱۳۹۵ش، «تأملی بر جلوه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه»، *اخلاق زیستی*، سال ۶، ۲۱، ۷-۲۲.
 ۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۰ش، «امام علی و حقوق اقلیت‌ها»، *کتاب نقد*، ۱۸، ۵۰-۸۱.
 ۲۷. علم الهدی، جمیله، ۱۳۷۹ش، *غایت شناسی تربیت علوی، مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)*، ۴، تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۳-۱۶۲.
 ۲۸. غلامی نیا، عبدالحمید، ۱۳۸۸ش، «تأثیر انسان‌شناسی بر اخلاق شهروند»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مجتمعه عالی شهید محلاتی*، دوره ۶، ۲۱، ۱۶۱-۱۷۱.
 ۲۹. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۶۴ش، «حق و حکم و فرق میان آن‌ها»، *مطالعات حقوقی و قضایی*، ۱، ۲۹-۳۸.
 ۳۰. محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۰ش، «امام علی (علیه السلام) و حقوق بشر»، *کتاب نقد*، ۱۸، ۱۹۳-۱۵۰.